

برجام، جنگ اوکراین، و وضعیت اقتصادی حکومت

حمید تقوائی

۲۳ مارس ۲۰۲۲
مدرج در انترناسیونال ۹۶۵
این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

خلیل کیوان: خامنه ای در پیام نوروزی ۱۴۰۱ خودش تاکید کرد که رفع گرانی و تورم به این زودی واقع بینانه نیست. این به چه معناست؟ اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی به کدام سمت میرود؟ در صورتی که برجام به فرجام برسد و توافقی حاصل بشود آیا گره کور مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی باز میشود؟ آیا جنگ پوتین در اوکراین از نظر اقتصادی به نفع جمهوری اسلامی بوده است؟ در این مصاحبه به این مسائل میپردازیم.

حمید تقوایی ابتدا به پیام خامنه ای میپردازیم. کار بجایی رسیده است که دیگر وعده هم نمیدهند. علیرغم اینکه جمهوری اسلامی مدعی است که با وجود تحریم ها بطور پنهانی وسیعا نفت صادر

کرده اند و درآمدهایشان افزایش داشته است، با وجود اینکه گفته میشود در برجام دارند به توافق نزدیک میشوند، با این حال میگویند انتظار رفع گرانی و تورم را نداشته باشید. اینکه مردم را خشمگین تر میکند، مردمی که زیر بار گرانی و فقر همین امروز له شده اند. چه ضرورتی دارد که اینطور صحبت میکنند؟ این پیام را شما چطور ارزیابی میکنید؟

حمید تقوایی: علت این اظهارات اینست که خامنه ای به خوبی می داند گرانی و تورم و کلا معضلات اقتصادی حکومتش به این زودی ها برطرف نمیشود؛ نه تنها برطرف نمیشود بلکه هر روز بدتر هم میشود. این را در تجربه دیده اند. سال بعد از سال خامنه ای آمده در پیام های

نوروزی یا مناسبت های مختلف وعده داده است که وضع بهتر خواهد شد، سال اقتصاد مقاومتی است، سال بالا بردن تولید ملی است و از این نوع حرفها منتهی هر سال وضع بدتر شده است. کارشناسان حکومتی در اوایل سال گذشته پیش بینی میکردند نرخ تورم به ۲۲ درصد میرسد، الان بالاتر از ۴۰ درصد است. یعنی دو برابر آنچه خودشان پیش بینی میکردند. این نرخ رسمی و میانگین است. بهای برخی از کالاها رشد چند صد درصدی داشته است. بنابراین خامنه ای بخوبی میداند که وضع بدتر خواهد شد و نمیخواهد توقع و انتظار مردم را بالا ببرد. در واقع میگوید باید بسوزید و بسازید. همین دولت به اصطلاح "انقلابی" شان با کلی وعده و وعید که چنین میکنیم و چنان میکنیم و

عدالت برقرار میکنیم و قوه قضایه را زیر و رو میکنیم، مشکلات اقتصادی را حل میکنیم و غیره روی کار آمد و دیدیم در تمام این زمینه ها وضع بهبودی پیدا نکرد که هیچ، بدتر و بدتر هم شد. به همین خاطر خامنه ای ناگزیر شده است وعده و وعید را کنار بگذارد و به مردم بگوید که انتظار زیادی نداشته باشید، وضع همین است که هست. معنی پیامش این است.

خلیل کیوان: در برنامه هفته قبل تحت عنوان وضعیت جمهوری اسلامی در سایه جنگ اوکراین از این صحبت کردید که موقعیت جمهوری اسلامی به عنوان یک متحد پوتین ضربه خورده است، برخی بر این باورند که برعکس در جنگ اوکراین با گرانتر شدن قیمت نفت پول بیشتری

به خزانه جمهوری اسلامی می‌آید و آمریکا هم امتیازات بیشتری به جمهوری اسلامی می‌دهد و هستند صاحب نظرانی که می‌گویند آمریکا برای رسیدن به توافق با جمهوری اسلامی حتی عجله دارد چون که می‌خواهد با وارد کردن نفت از ایران به بازار اروپا اثر تحریم‌های نفت روسیه را خنثی کند. از این هم صحبت میشود که آمریکا در صدد خارج کردن اسم سپاه پاسداران از لیست تروریست‌ها است و غیره. می‌گویند شواهدی از این دست نشان میدهد که دولت آمریکا دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی و حتی مقابله با آن نیست. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: در مورد نکته آخر باید بگویم همیشه اینطور بوده، نکته جدیدی نیست. دولت

آمریکا چه در دوره فعلی و چه در دوره ترامپ و چه در دوره اوباما و حتی قبل از آنهم هیچوقت در صدد نه تنها کنار زدن و سرنگونی بلکه حتی تغییرات جدی در حکومت جمهوری اسلامی نبوده است. حداکثر تلاششان این بوده که این حکومت را در چارچوب سیاستهای منطقه ای خودشان قرار بدهند و حتی بارها گفته اند که میخواهیم این حکومت بماند و اتفاقا میخواهیم که به بازار جهانی برگردد مشروط بر اینکه شرایط ما را قبول کند. حتی ترامپ که ظاهرا خیلی جمهوری اسلامی را تحت فشار گذاشته بود و تحریم ها را افزایش داده بود بارها گفت که ما بدنبال رژیم چنج یا تغییر حکومت نیستیم بلکه می خواهیم جمهوری اسلامی بیاید سر میز مذاکره و شرایط را بپذیرد. حتی قول داده

بود که اگر شرایط ما را بپذیرید کاری نمیکنیم که وضع تان بهتر بشود، رونق اقتصادی پیدا بکنید، ثبات پیدا بکنید و غیره. همیشه خط استراتژیک دولت آمریکا و دولتهای اروپایی همین بوده است.

کلا قدرتهای جهانی تا وقتی که واقعا مردم زمین را زیر پای یک حکومتی داغ نکنند و تا تشخیص ندهند که بر سر کار ماندن حکومتی بیشتر منافع آنها را بخطر میاندازد تا کنار رفتن یک حکومت، حتی با وحشی ترین دیکتاتوری ها کنار خواهند آمد. در مورد جمهوری اسلامی هم همین سیاست را دارند. هم دولت آمریکا و متحدین اش، و هم بلوک مقابل یعنی دولت روسیه و دولت چین، خواهان این هستند که

هر یک به نحوی و در چارچوب حفظ منافع
خودشان جمهوری اسلامی را نگه دارند.

اما در این مورد که بر اثر جنگ اوکراین قیمت
نفت بالا میرود و غیره باید بیاد بیاوریم که در
دوره احمدی نژاد علیرغم اینکه نفت گرانتر شد
و درآمد دولت چند برابر شد، وضعیت اقتصادی
مردم بدتر و بدتر شد و آن پولها یا در جیب گشاد
دار و دسته های مافیایی حکومتی گم شد و یا
خرج تسلیحات و خرج موشک پراکنی و دخالت
در منطقه و غیره شد. بهر حال هر اتفاقی افتاد
برای مردم مسئله ای حل نشد. آن دوره هم
تورم و گرانی همچنان بیداد میکرد.

نمونه دوم وقتی بود که در اوج برجام، زمانی

که در دوره اوباما تحریم ها هم برداشته شده بود و برجام منعقد شده بود ما شورش ۹۶ را داشتیم که اساسش اعتراض به فقر و بی‌تامینی اقتصادی توده مردم بود.

این نمونه ها نشان میدهد که داستان بر سر برجام و درآمد نفتی و غیره نیست. بقول شما همین امروز هم اینها از طریق بازار قاچاق و مناسباتی که دارند نفت شان را صادر میکنند و درآمد بدی هم ندارند. حالا گیرم بر اثر قضیه اوکراین قیمت نفت بالا بماند و بالاتر هم برود و جمهوری اسلامی پول بیشتری هم به دست بیاورد، بحران اقتصادی حکومت حل نخواهد شد و بخصوص توده مردم چیزی نصیب شان نخواهد شد. بیکاری و گرانی حل نخواهد شد،

بلکه بدتر هم خواهد شد. از اینرو تا آنجا که به زندگی توده مردم مربوط میشود این فاکتورها تعیین کننده نیست.

همانطوری که در مصاحبه قبلی هم گفتم اگر همه جانبه تر نگاه کنیم از نظر سیاسی، از نظر استراتژیک جمهوری اسلامی بازنده این جنگ است بخاطر اینکه موقعیت پوتین کاملاً ضربه خورده و تضعیف شده است، پوتین بطرف منزوی شدن هر چه بیشتر میرود و جمهوری اسلامی تا آنجایی که خودش را به این بلوک وصل کند در این سیر نزولی شریک خواهد بود. واقعیت این است نه افزایش قیمت نفت و نه توافق برجام تغییر اساسی در بحران عمیق اقتصادی حکومت ایجاد نخواهد کرد.

خلیل کیوان: در مورد برجام جمهوری اسلامی میگویند که به مرحله نهایی توافق نزدیک شده ایم و آمریکا از آن طرف میگوید توافق بر سر احیای برجام نه قطعی است و نه حتمی است. بالاخره سرنوشت مذاکرات برجام چه میشود؟ آیا در صورتی که به توافق برسند وضع اقتصادی رژیم بهتر میشود؟ در صورتی که به توافق نرسند ما با چه اوضاعی روبرو میشویم؟

حمید تقوایی: تا آنجایی که به سرنوشت برجام مربوط میشود نشانه هایی در دست است که طرفین دارند به توافق نزدیک میشوند. اگر این مانور آخری روسیه نبود شاید تا الان به توافق رسیده بودند. اتفاقاتی مثلا آزاد کردن نازنین

زاغری هم در واقع نشان دهنده این است که اینها دارند به شرایط همدیگر جواب میدهند. شرطی که روسیه گذاشته بود را هم قبول کرده اند و مانع روسیه هم ظاهراً برطرف شده است.

بنابراین بعید نیست که به توافق برسند. اگر نه در عرض چند روز ولی بالاخره در هفته های آتی یا ماه های آتی. ولی بحث بر سر این است که تاثیرات و پیامدهای این توافق چه خواهد بود؟

چندی قبل یکی از کارشناسان اقتصادی حکومت این نظر را داد که دولت جمهوری اسلامی ورشکسته است و اگر در برجام به توافقی برسیم، این ورشکستی ممکن است

مثلا پنج سال دیگر خودش را نشان بدهد و اگر به توافق نرسیم دو یا سه سال دیگر. یعنی تفاوت در این است که چند سال ورشکستگی به عقب خواهد افتاد. با این ترتیب اینکه جمهوری اسلامی ورشکسته است و از نظر اقتصادی بحران ساختاری و نهادینه دارد حتی خود کارشناسان و اقتصاددانان حکومتی دارند اعتراف میکنند. این یک واقعیت است. ما همیشه بحث مان این بوده که بحران اقتصادی جمهوری اسلامی پایه سیاسی دارد. بخاطر موقعیت محوری جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی و پرچم داری تروریسم اسلامی و بخاطر دخالت هایش در منطقه، بخاطر انزوای جهانی اش و غیره حتی اگر برجام را هم امضا کنند سرمایه دارها ثبات سیاسی در این حکومت نمی بیند که حاضر

بشوند برای دراز مدت و حتی میان مدت در ایران سرمایه گذاری کنند و با وارد قرارداد و معاملات کلان اقتصادی با حکومت بشوند. اینها واقعیات است و اینها را در تجربه دیده ایم.

مستقل از اینکه جمهوری اسلامی چه رابطه ای با دولتهای غربی دارد، تحت تحریم هست یا نه، نفت با چه نرخى بفروش میرسد یا نمیرسد، بحران اقتصادی جمهوری اسلامی هر روز عمیق تر و وسیعتر شده است. امروز خودشان دارند از ورشکستگی در عرض سه یا چهار سال صحبت میکنند. ورشکستگی به این معنا که حتی حقوق کارمندان را نمی توانند بدهند. برجام حتی اگر به فرجام برسد از این نظر که هر نوع بهانه و توجیهی را از حکومت میگیرد و انتظار مردم

برای حل مشکلات اقتصادی‌شان را بالاتر میبرد
به تعرض توده مردم و بحران حکومت خواهد
افزود.

حزب ماهمیشه بر این واقعیت تاکید داشته است
که اقتصاد جمهوری اسلامی از نظر ساختاری
بحران زده است و این کاملاً گره خورده است
به موجودیت سیاسی ایدئولوژیک، منطقه ای و
داخلی خود این حکومت. تا وقتی که جمهوری
اسلامی حکومتی است با پرچم مرگ بر آمریکا
و پرچم غرب ستیزی و پرچم دفاع از اسلاميون
در منطقه و غیره مساله اقتصاد حل نخواهد شد.
بعبارت دیگر مساله بحران اقتصادی جمهوری
اسلامی فقط با سرنگونی این حکومت می تواند
حل بشود. امروز خود کارشناسان حکومتی

به اینجا رسیده اند که در آستانه ورشکستگی
قرار دارند و راه حلی نیست.

خلیل کیوان: بیشتر به پیام خامنه ای توجه
کنیم. وقتی ایشان میگویند که گرانی و تورم
حل نمیشود بطور واقعی معنی اش این است که
اوضاع بدتر هم میشود. این را هم به تجربه دیده
ایم. این یعنی فقر و گرسنگی بیشتر مردمی که
دارند با فقر دست و پنجه نرم میکنند. خوب
انفجار اجتماعی در چنین شرایطی دور از انتظار
نیست. سؤال اینست که آیا دوباره ما با سرکوب
خونین روبرو میشویم؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردید این
احتمال بالایی دارد که یک خیزش توده ای یا

با یک طغیان دیگری نظیر ۹۶ و ۹۸ شکل بگیرد. نمونه هایی از آنرا در اصفهان و در خوزستان هم در سال گذشته داشتیم و ممکن است که در سطح وسیعتری این اتفاق بیفتد. ولی آیا این به سرنوشت شورش های قبلی دچار خواهد شد؟ یعنی بعد از اوجگیری حداکثر بعد از چند ماه فرو خواهد خوابید؟ بنظر من لزوما اینطور نیست. امروز شرایط کاملا متفاوت است. من چند نکته را میگویم که به نظر من بر روند تحولات تاثیرات مثبتی خواهد داشت. اولین نکته مبارزات جاری کارگران و معلمان و بازنشستگان است که هم از نظر ابعاد سراسری اش و هم از نظر درجه سازمان یافتگی اش بنظر من بی نظیر است. نمونه دیگر جنبش خانواده های دادخواه یا جنبش دادخواهی

است که مادران آبان و مادران خاوران و خانواده
جانباختگان هواپیمای اوکراینی محورهای آن
هستند، جنبشی که فعالینش علنا اعلام کرده
اند "رای من سرنگونی است". جنبشی که علنا
اعلام کرده سران حکومت باید به جرم جنایت
محاكمه بشوند. در اثر فعالیت این جنبش در
سطح بین المللی دادگاه هایی تشکیل شده
است و این دادگاهها غیابا جمهوری اسلامی را
محکوم کرده اند.

نمونه های دیگری داریم مثل ۸ مارس و نمونه
متاخرش چهارشنبه سوری امسال، و جشن
عید امسال که فعالین جنبشهای اعتراضی با
همبستگی با یکدیگر و بیانیه ها و فراخوانهای
گسترده به میدان آمدند و کلا جامعه با تجمعات

و اعتراضات خیابانی و جشن و پایکوبی گسترده در خیابانها به استقبال این روزها رفت.

این نمونه هانشان میدهد که این پتانسیل هست، این امکان هست، که در صورت بروز یک شورش توده ای دیگر رژیم نتواند آنرا بخواباند؛ نه به این معنی که شورش ادامه پیدا کند بلکه به این معنی که وارد فاز اعتصابات، تحصن و تجمعات سراسری تمام بخشهای جامعه با هم بشویم به نحوی که ماشین دولتی جمهوری اسلامی فلج بشود. و به این معنا وارد فاز انقلابی میشویم که میتواند ضربه نهایی را به حکومت وارد کند.

طبعاً این خود به خود بوجود نمی آید. این امر در کفو فعالیت احزاب و نیروهای انقلابی مثل

حزب کمونیست کارگری است و ما به سهم خودمان این تلاش را خواهیم کرد که اعتراضات در این جهت سوق پیدا کند. به نحوی که نه تنها یک توفان اجتماعی یا یک شورش و خیزش شهری، بلکه هر اتفاقی که میتواند به اعتراض عمومی منجر بشود، مثلاً قتل ناموسی دیگری مثل تراژدی مونا حیدری و یا اعدام دیگری مثل مورد نوید افکاری و یا هر اتفاقی مثل درگیری زنان با اوباشان رژیم بر سر حجاب و غیره، هر کدام از اینها جرقه ای باشد برای شکل گیری یک اعتراض عمومی و ادامه دار. البته باید این امر را از پیش تدارک دید و سازماندهی کرد. باید حرکت سراسری و همزمان میدانی جنبشهای اعتراضی جاری را در شکل تحسن و تجمع دست و از کار کشیدن و اعتصاب سراسری

تدارک دید.

حزب ما این سیاست را دنبال میکند و تمام تلاشش را بکار میبرد که جامعه به این سمت برود. اینبار نباید اجازه بدهیم که مثل ۹۶ و ۹۸ یا اعتراضات بعد از اوجگیری اولیه بخوابد بلکه باید اعتراضات را تبدیل کنیم به حرکات تعرضی ادامه دار بخشهای مختلف جامعه. این هدف ما است و فراخوان من به تمام اکتیویست ها فعالین دست اندرکاران جنبشهای اعتراضی این است که این هدف را در برابر خودشان قرار بدهند تا بتوانیم دست در دست هم جامعه را از شر جمهوری اسلامی خلاص کنیم.

خلیل کیوان: بنظر می آید که شما هیچ راه

حلی در چهارچوب جمهوری اسلامی برای حل معضلات اقتصادی برایتان متصور نیست. در اینصورت مشکل اقتصاد ایران چطور حل میشود؟ با سقوط جمهوری اسلامی، چه بخشی از جامعه و چه نیروی سیاسی ای راه حل دارد؟

حمید تقوایی: این مساله دو سطح دارد. یک مساله ویژه جمهوری اسلامی است که همانطور که گفتم به هویت این حکومت، به ساختار ایدئولوژیک، استراتژیک حکومت، و به تعریفی که از خودش بدست داده برمیگردد. با سرنگونی جمهوری اسلامی این مانع برطرف خواهد شد ولی در سطح اساسی تری اگر مساله فقر به معنای ریاضت کشی اقتصادی، بمعنای تفاوت عمیق طبقاتی، فقر ۹۹ درصدی هادر مقابل ثروت

کلان یک درصدی ها، بخواهد حل بشود، آنوقت مسئله فقط جمهوری اسلامی نیست بلکه نظام سرمایه داری است که نه تنها در ایران بلکه در همه کشورها ریاضت کشی اقتصادی را به توده مردم کارگر و کارکن، به نود و نه درصدی های جامعه، تحمیل کرده است.

در کشوری مثل ایران عوارض سلطه سرمایه داری موجب فقر و بی تأمینی اقتصادی و سرکوب و بی حقوقی خیلی وسیعتری از کشورهای صنعتی پیشرفته تر است. ما همیشه گفته ایم که طبقه سرمایه دار در ایران فقط با دیکتاتوری و سرکوب میتواند سودآور باشد و قدرتش سیاسی اش را حفظ کند. تمام تاریخ صدساله اخیر ایران دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری بوده است. یکبار

به اسم مذهب، یکبار به اسم ناسیونالیسم و مام میهن، و اغلب موارد با همکاری و همدستی این دو، تسمه از گرده کارگر کشیده اند؛ فقر و بی‌تامینی اقتصادی همیشه در جامعه بوده، و سرکوب و اختناق و زندانی سیاسی و شکنجه هم همیشه در جامعه بوده است. سوال اساسی تر و استراتژیک تر این است که چگونه باید از شر این دور باطل دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری خلاص شد؟ کارگران هفت تپه راه نشان دادند. اعلام کردند اداره شورایی و اداره شورایی یعنی حکومتی که خود مردم مستقیماً در اداره جامعه دخالت دارند. دخالت با چه هدف و سیاستی؟ با سیاستی که همین امروز اعلام کرده اند: نه به فلاکت عمومی و ثروت نجومی، نه به تبعیض طبقاتی، نه به تبعیض در هر سطحی: تبعیض

بین طبقات، تبعیض بین زن و مرد، تبعیض علیه مردم منسوب به مذاهب دیگر و ملیتهای دیگر، تبعیض علیه گرایش‌های جنسی دیگر، علیه همجنسگرایان، تبعیض علیه خارجی‌ها، علیه مهاجرین و پناهندگان افغانستانی در ایران و غیره. اینها تبعیضاتی است که در ایران بیداد میکند. این تبعیضات کمابیش در همه جوامع وجود دارد ولی در جمهوری اسلامی این مصائب به شدیدترین وجه و به شکل غیر قابل تحملی زندگی مردم را به جهنم تبدیل کرده است.

جواب این است که مردم با اداره شورایی حکومت را در دست بگیرند و تولید را بر اساس تامین منافع همه شهروندان سازمان بدهند. کلید اینجاست. کلید اینجاست که تولید را در جهت

منافع جامعه سازمان بدهیم نه برای سودآوری. حکومت بالا سر مردم و مافوق مردم نمیتواند این کار را بکند، حکومت یک درصدی ها، حکومت سرمایه دارها نمیتواند این کار را بکند چون منافعشان اقتضا نمیکند. فقط کارگران و توده مردم همسرنوشت کارگران میتوانند این هدف را برآورده کنند و این چشم اندازی است که حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست کارگری، در برابر جامعه قرار میدهد. یعنی چشم انداز سوسیالیسم را، چشم انداز تولید برای رفاه عمومی را، چشم انداز دخالت مستقیم مردم در امور روزمره خودشان از طریق تشکلهای نوع شورایی را. اینها جزیی از برنامه یک دنیای بهتر حزب ماست؛ ما برای اینها پیگیرانه مبارزه کرده ایم و خوشبختانه جامعه جواب مثبت داده

است. امروز دیگر اداره شورایی فقط در صفحات برنامه یک دنیای بهتر و تبلیغات حزب ما نیست شعار خیابانی است، امروز بر طرف کردن شکاف بین فلاکت عمومی، حقوق های نجومی دیگر در ادبیات حزبی نیست، شعار عمومی است، امروز مبارزه علیه تبعیض، تبعیض علیه افغانستانی ها، نسبت به زنان، نسبت به همجنسگرایان دیگر فقط در برنامه حزب نیست شعار خیابان شده است. اینها همه ما را امیدوار میکند و نشان میدهد که ما میتوانیم با سرنگونی جمهوری اسلامی جامعه ای بسازیم که از نظر سیاسی و اجتماعی توده مردم، ۹۹ درصدی های جامعه که در سرمایه داری منافی ندارند، در استثمار منفعتی ندارند، اینها قدرت را به دست بگیرند و از نظر اقتصادی تولید را در جهت رفاه عمومی

سازمان بدهند و این یعنی نظام و جامعه ای
سوسیالیستی. این چشم اندازی است که جامعه
برای رهایی در مقابل خودش دارد و حزب ما با
تمام توان می کوشد که این چشم انداز تبدیل
به یک واقعیت بشود.

*با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن
اولیه این نوشته.*

۲۳ مارس ۲۰۲۲

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام